

خپلواکی - آزادی

نشریه مرکزی سازمان ملی دموکراتیک آوارگان افغانی

اپریل ۲۰۰۹ م

حمل ۱۳۸۸ ش

خپلواکی - آزادی

صفحه اول

شماره پنجاه و ششم

سرویس مقاله

گزارش از سمینار و تظاهرات کارزار زنان هشت مارچ در شهر استهلم سویدن

آخوند های جمهوری اسلامی جزء ای از شیدان، حيله گران و فريبکاران بين المللی اند که در طی ۳۰ سال گذشته برای رسیدن به آرمان های پلید شان به هر وسیله، دست یازیده و به هر جنایتی نسبت به خلق ایران بخصوص زنان آنکشور، متوسل شده اند.

دولت جمهوری اسلامی ایران از شامگاه غصب قدرت سیاسی در دلو ۱۳۵۷ به

عملی نمودن قانون زن ستیز اسلامی اش که اسارت و محبوس ساختن کامل زنان در چهار دیواری خانه و حاکمیت نظام مرد سالار از اساسی ترین پایه های آن است، اقدام نمود و پیشبرد این اهداف پلید را در رأس برنامه های جنایتکارانه و ضد بشری اش قرار داد.

زنان ایران در انقلاب ۵۷ نقش بسزای داشتند و زمانی که با دساتیر زن ستیز جمهوری اسلامی مواجه شدند، با شدت به آن مخالفت کرده و با شهامتی بی نظیر به مقابله با آن، پرداختند.

زنان در ۸ مارچ ۱۳۵۸ که روز جهانی شان بود، با بر آمد، علنی وسیع، سرتاسری و همه جانبه اهداف و... بقیه در صفحه: ۶



درسی که از کودتای ۷ ثور باید گرفت

از وقوع کودتای ۷ ثور سال ۱۳۵۷ خورشیدی سی و یک سال میگذرد. عمر کودتا ۱۱ سال بود، ولی ثمرات نا خوش آیند، نامیمون و تأثیرات شوم برخاسته از آن تا امروز جامعه ما را بطور وحشتناک و فاجعه بار، در آتش جنگ و بحران می سوزاند.

سه دهه جنگ بی هدف، ویرانکن، غیر سازنده و تحمیلی بیشترین ضربه را متوجه منافع زحمتکشان و توده های زحمتکش نموده و بیشترین قربانی را از بین مردم گرفته و میگیرد. تجاوز اشغالگران برهبری امریکا و بوجود آوردن دولت مزدور که همه مرتجعین و احزاب خائن و وطن فروش در آن مشترکاً کار میکنند و کمر خدمت برای تجاوزگران بسته و شیریه جان مردم را می مکند، ارزشهای مادی و معنوی و میراثهای فرهنگی و تاریخی را تاراج می نمایند، بی ثباتی و بحران را دامن زده و به کشور های منطقه می فرستند. بقیه در صفحه: ۲

مصاحبه ای مختصر بایکی از مسئولین "سازمان ملی دموکراتیک آوارگان افغانی"

سرامون اوضاع جاری افغانستان و منطقه "رزم"

س: در هفته های اخیر خصوصاً با رویکار آمدن اوباما رئیس جمهور جدید امریکا در مورد استراتیژی جدید امریکا در افغانستان زیاد تر بحث می شود، درین باره نظر خود را ابراز دارید؟

ج: اشغال افغانستان و بر انداختن رژیم طالب ها در سال ۲۰۰۱ و آوردن رژیم کزری مشکلاتی را در برابر قوای اشغالگر برهبری امریکا بوجود آورد. این همه بدبختی ها ومصیبت های که مردم افغانستان با آن دست بگریبان اند ریشه در اشغال دارد. قوای متجاوز برهبری امریکا، روی پلان و خط مشی از قبل طرح شده به افغانستان هجوم آوردند و همه فعالیت ها در ساحات سیاسی، نظامی، اجتماعی، فرهنگی وغیره در خدمت منافع امپریالیستی شان دور میزند. از آنجائیکه امپریالیزم یک سیستم جهانی تبهکار، جانی و ضد بشر است، سیاستها و کارکرد های آن در افغانستان در خدمت این سیستم و جهت گیری شان درین راستا، بنیاد یافته است. مشاهده می کنید که افغانستان ... بقیه در صفحه: ۳

افغانستان کشور جنازه ها و

قبرستان اشغالگران

بتاریخ ۱۸ مارچ شیفر سرمنشی ناتو با سفرای ۴۲ کشور که در اشغال افغانستان سهیم اند، به کابل سفر نمود. او ضمن بازدید از پایگاه های نظامی در ولایات کشور، با رئیس جمهور کزری مزدور ملاقات نموده و در جمع خبر نگاران حاضر شده و ضمن وعده دادن به کمک و آبادانی به نفع کشور و مردم آن یاد آور گردید که ما در برابر تلفات مردم ملکی احساس مسئولیت میکنیم و در آینده کوشش بعمل می آید تا از تاکتیک های نظامی استفاده شود که مرگ و میر کم بهمراه.... بقیه در صفحه: ۱۰

زنده باد مقاومت و مبارزات زنان در سراسر جهان!

درسی که از کودتای ۷ ثور باید گرفت

افغانستان از نگاه موقعیت جغرافیائی خود همیشه مورد تاخت و تاز جهانگشایان بوده و با آمدن اشغالگران برتانوی به شبه قاره هند و رقابت شان با روسیه تزاری، شاهان و امرای افغان را مزدور و معاش خور ساخته گاهی با لشکر کشی، تجاوز و تهدید و گاهی با تطمیع و لطف، آنها را در خدمت خود می گرفتند. امان الله خان که طرفدار آزادی، استقلال، پیشرفت و مدرنیته بود با تحلیل از اوضاع منطقه به این پی برد که در شمال کشور دولت تزاری سرنگون و جایش را دولت شورا ها گرفته و نه تنها که این دولت در امور کشور ها از جمله افغانستان مداخله نمیکند، بلکه از مبارزه استقلال خواهی و طرد استعمار بر تانیه از مردم افغانستان پشتیبانی و حمایت می نماید.

دولت کارگران و دهقانان شوروی بر علاوه امداد رسانی و پشتیبانی از جنگ استقلال طلبانه امان الله خان بر ضد بر تانیه، اولین کشوری بود که استقلال افغانستان را برسمیت شناخت و تا وقتی که استالین (رهبر دولت شوروی) زنده بود و در سیاست حزب و دولت شوروی بر ضد منافع خلقهای شوروی و جهان تغییری رونما نگرید، افغانستان یک دوره آرام و با ثبات چهل ساله را، پشت سر گذاشت. به حواله کتاب Ludwig W. Adamec Afghanistan's Foreign Affairs to the mid-Twentieth Century در صفحات ۲۳۸ - ۲۴۰ می خوانیم که در سپتامبر ۱۹۳۹ شروع جنگ جهانی دوم که آلمان هتلری، پولند را مورد تجاوز قرار داده و اشغال نمود، ایتالیای فاشیست و آلمان نازی هر دو علاقه داشتند که در سرحدات افغانستان با هندوستان که در قید اشغال بر تانیه بود، وضع را توسط قبایل پشتون برای بر تانیا نا آرام سازند تا نیروی نظامی بیشتر بر تانیه در منطقه مصروف جنگ باشد و آلمان نازی حتی بر این مسئله پافشاری نمود که ظاهر شاه را از بین برده و غلام صدیق خان چرخي را که سفیر امان الله خان در برلین بود، از راه شوروی به سرحدات شمال افغانستان که بنام ترکستان یاد میشد، بفرستد و بنام طرفداری از امان الله خان برضد ظاهر شاه به کمک آلمان و شوروی، فعالیت نماید. نماینده آلمان و غلام صدیق خان چرخي هر دو به مسکو رفتند تا در باره این پلان، با مقامات

شوروی داخل مذاکره شوند. یکماه بعد ۱۸ نوامبر ۱۹۳۹ سفیر آلمان در شوروی از مولوتف وزیر خارجه شوروی جوابی به این مضمون دریافت کرد که: "ما میخواهیم درین باره معلومات زیاد تر بدست آوریم." آلمان نازی مقصد شوروی ها را از این تأخیر فهمید. در حقیقت شوروی با آنکه در آن زمان با آلمان قرار داد همکاری و دوستی را امضاء کرده بود، علاقه نداشت در امور داخلی افغانستان، مداخله نماید. درین دوره با ثبات و آرام، سلطنت ظاهر شاه در ساحات تجارت، صنعت، معارف، صحت و غیره، کارها بطی و حلزون گونه، در جریان بود و با آنکه مردم زحمتکش کشور از خوشبختی محروم بودند باز هم افغانستان مورد تجاوز شوروی، قرار نگرفت.

سیاست دولت شوروی بعد از مرگ استالین ۱۹۵۳ و سرکار آمدن خروشف که در جهت ضد منافع زحمتکشان شوروی و جهان بود و دوستی با امپریالیست های جهانی برهبری امریکا جای همبستگی بین المللی کارگران جهان را گرفت، طبیعی و منطقی است که این دولت با سیاست های جدید که مبنای آن بر مداخله، خرابکاری، کودتا و تجاوز به سایر کشور ها بود، وارد عرصه بین المللی گردید. حزب دموکراتیک «خلق» هم با پیروی از همین ایدئولوژی و سیاست دولت و حزب شوروی که در جهت مخالف سوسیالیزم در حرکت بود، شروع به فعالیت نمود و زمینه ساز کودتا ها و جاده صاف کن تجاوز سوسیالیامپریالیزم شوروی بر افغانستان گردید.

حزب دموکراتیک «خلق» با ماسک دروغین دفاع از کارگر و دهقان و شعار های صلح، ترقی و دموکراسی به میدان آمد که آنچه کرد مخالف سوسیالیزم و خوانا با برنامه حزبی اش، یعنی دوستی با طبقات و نیرو های ضد ترقی و ضد منافع مردم و مخالف منافع مردم، دموکراسی و ترقی اجتماعی، بود. سازش و همکاری با نیرو های مرتجع داخلی و پس گرفتن رفرم های بدون محتوی و غیر قابل اجراء و در خدمت گرفتن متجاوزین شوروی، انعکاس عملی برنامه آن حزب بود که مغایر و مخالف آموزش های سوسیالیزم علمی بود.

قابل یاد آوری است که امروز رسانه های تبلیغاتی تلویزیونی خرید شده افغانی

توسط وزارت دفاع یا پنتاگون این نیروی کودتاچی، خائن، جنایتکار و وطن فروش را بنام مارکسیست - لنینیست ها و کمونیست داو، فحش و ناسزا میدهند. در حقیقت آنها خائنانی بد ذات و بد رگ هستند که با علم رهائی زحمتکشان، دشمنی عمیق دارند و خود را مانند همین «خلقی» - پرچمی ها و مجاهدین و طالبان فروخته اند. چون اینها همه از یک توبره و آخور می خورند و بر ضد اکثریت زحمتکشان کشور ما هستند، عملاً در خدمت متجاوزین برهبری امریکا قرار گرفته اند و اختلافاتی را که عنوان می کنند، صرف جنگهای زرگری است که برای فریب مردم براه می اندازند. فرق شان درین است که آنها با ریش و پشم و اینها با دریشی و نیکتائی، وطن فروشی می کنند.

مردم افغانستان زیر حاکمیت سلطنت ظاهر شاه، جمهوری داؤد خان و کودتای هفت ثور که دولت های طبقات مفتخور ستمگر و وابسته به امپریالیزم و سوسیالیامپریالیزم جهانی بودند، روی آرامش و خوشبختی را ندیدند و هر رژیمی که آمد بر بدبختی مردم افزود و فقر و بیکاری را افزایش داد و گراف قتل و کشتار همواره رو به بالا است. چرا؟ جواب آنرا باید در این جستجو نمود که این رژیم ها در دست زورگیر ها بود و عده از مکتب روها و چیز فهم های صاحب اختیار و صلاحیت که برای زورگیر ها کار می کردند هر پلان و نقشه دولت را طوری می ساختند که غریبها و زحمتکشان نتوانند به خوشبختی و آسایش برسند؛ یعنی زمین، فابریکات، معادن، آب و بقیه چیز هائی که بر آن کار صورت میگیرد و از آن چیزی حاصل میشود، در دست زورمندان و صاحبان قدرت، بود.

حالا باید از کارکردگی رژیم های ستمگر خصوصاً از دولت کودتای ۷ ثور که بنام مردم غریب و زحمتکش قدرت را گرفتند و به مردم خیانت کردند، بچه ها و دختران مردم را کشتند، بستند، غرغره کردند و در گور های دسته جمعی انداختند و بعد از همه جنایت و وطن فروشی راه خارج را در پیش گرفتند و امروز در خدمت امریکائی ها قرار گرفته اند، آموخت که کشور به یک انقلاب ضرورت دارد، که مردم زحمتکش و غریب را به قدرت برساند و غم غریب ها را بخورد. این انقلاب برهبری...

مصاحبه ای مختصر با یکی از مسئولین سازمان ملی دموکراتیک...

از سی سال به اینطرف روی آرامش، صلح، ثبات و امنیت را ندیده است و بیش از ۹۵٪ مردم با فقر و انواع نابرابری ها و ستم های چند لایه ای روبرو اند و از محرومیت به سوی نابودی کشانده می شوند که میتوان دلایل را صرف در وجود اشغالگران برهبری امریکا، سراغ کرد زیرا این امریکا است که دولت کرزی را که نماینده چند فیصد از طبقات ستمگر با مؤلفه ی جنایتکارانه گردانندگان و حامیان این دولت است را بوجود آورده و از آن حمایت می کند.

نیرو های اشغالگر، از هفت سال به این طرف با شعار های زیبا و عامه پسند نتوانسته اند ثبات سیاسی را بوجود آورند. قوای اشغالگر از ابتدای اشغال خواستند در ساحه نظامی خود شان همه کاره باشند و به این خیال باطل بودند که مردم افغانستان آنها را پذیرفته اند و دست به مقاومت و مبارزه نخواهند زد و مدام اعلام می نمودند که افغانستان برای قوای نظامی هفتاد هزار نفره ی افغانی ضرورت دارد که آنها به آهستگی و با آهنگ خیلی کند در مدت ده سال به تریبه آن بپردازند.

امریکا با استفاده از فقر و تنگدستی افغانها می خواهد آنها را به خدمت گرفته و تریبه نظامی نماید و در عملیات های نظامی، افغانستانی را بوسیله افغانستانی، سرکوب و نابود نماید.

مردم افغانستان هیچ گاهی نیرو های بیگانه را که هوس فرمانروائی را در سر دارند و خواسته اند استقلال و حاکمیت ملی شان را پایمال کنند، قبول نکرده و به شدت در برابر آن ایستادگی نموده اند. موجودیت قوای اشغالگر برهبری امریکا، حاکمیت دولت مزدور و سیاست های ضد مردمی و خلاف منافع اکثریت جامعه، خود سری ها و بمبارانهای دهات و کشتزار های مردم و نتایج زینبار آن جمعاً دست بدست هم داده و سبب شده تا اشغالگران به شدت مجازات شوند. مجازاتها از یکطرف تلفات نیروی انسانی اشغالگران را در قبال خود دارد و هم ورشکستگی اقتصاد و هم باعث رشد مبارزه و مقاومت مردم کشور های امپریالیستی که مخالف تجاوز و اشغال می باشند، می گردد.

تبلیغات امپریالیستی مبنی بر جنگ ضد تروریسم، دفاع از آزادی، دموکراسی و حقوق

پایمال شده زنان و بشر دیگر رنگ خود را در نزد مردم جهان باخته و جهانیان در طول هفت سال فعالیت های جنایتکارانه ای اشغالگران فهمیده اند که اصل مسئله در کجا نهفته است و چطور اشغالگران برهبری امریکا تحت نام این شعار ها میخواهند در افغانستان جایگزین شوند و به اهداف امپریالیستی خود برسند.

سیاستمداران جدید امریکا برهبری اواما برای فریب اذهان عامه چه در امریکا، افغانستان و یا در سطح جهان در پهلوی عملیات تبهکارانه نظامی جنگ جدید تبلیغاتی را آغاز نموده و نامش را استراتیژی جدید امریکا گذاشته اند.

درین جا باید یاد آور شد که اصلاً مسئله بر سر استراتیژی نیست. استراتیژی امریکا در افغانستان در همان روز های اول اشغال اعلان گردید، یعنی ماندن قوای اشغالگر در افغانستان برای پنجاه تا شصت سال آینده که در پیمان همکاری استراتیژیک امریکا-افغانستان صراحت دارد. برای جا انداختن این استراتیژی می خواهند تاکتیک های جدید را بکار اندازند تا از شکست حتمی خود در افغانستان، نجات یابند.

س: سال های سال کرزی برای طالب ها و حزب اسلامی حکمتیار، پیشنهاد مذاکره و قطع جنگ را داده است و اواما هم درین اواخر، مذاکره با طالبان را پذیرفته است، تا چه حد این امکان و جود دارد که اشغالگران برهبری امریکا با این نیرو های جنگی به توافق برسند و چه نتایجی بر آن استوار خواهد بود و انگیزه این کار چه بوده می تواند؟

ج: اگر منظور تان نتایج حاصله به نفع مردم باشد باید این نیرو های جنگی را شناخته و رابطه شان را با مردم کشور درک کنیم. اگر مواضع حزب اسلامی حکمتیار و طالبان را از یکطرف که شرط مذاکره را بیرون رفتن قوای اشغالگر می دانند و طرف اشغالگران را که پذیرفتن قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان و به زمین گذاشتن اسلحه مخالفان می باشد، در نظر بگیریم باید حکم کنیم که هر دو جانب، شرط طرف مقابل را نمی پذیرند و مذاکره برای صلح و قطع جنگ ممکن نیست. اگر طالب ها و حزب اسلامی حکمتیار شرط

اشغالگران را قبول کنند و در پروسه صلح داخل مذاکره شوند به این معنی است که موجودیت اشغال و قوای بیگانه را می پذیرند. حزب اسلامی حکمتیار قبلاً هم اعلان نموده بود که اگر امریکا برای بیرون رفتن قوای خود تاریخ معین و تقسیم اوقات تعیین کند، حاضر به مذاکره است.

از آنجائی که طالب ها و حزب اسلامی حکمتیار به دفاع از منافع و خواسته های روا و بر حق اکثریت مردم افغانستان مبنی بر دولت غیر دینی، برسمیت شناختن حقوق زنان، بر آورده ساختن خواست های جدی دهقانان، کارگران و بقیه اقشار زیر فشار که به اثر سیاست اقتصادی کمپرادوری وابسته به امپریالیسم و اشغالگران، تحت ستم و استثمار شدید قرار دارند، نمی پردازند و همیشه و بطور دوامدار بر جنگ بدون برنامه و جدا از سازندگی به نفع مردم تکیه نموده اند، در همان جهتی روان اند که اشغالگران و دولت مزدور کرزی قدم گذاشته اند و همین وجه مشترک ضد مردمی بودن شان اگر امروز بصورت غیر مرئی و غیر ملموس، ظاهراً مخالف یکدیگر اند مگر فردا بصورت آشکار زیر چتر حمایت اشغالگران با پذیرفتن این شرط و آن شرط آنها بر ضد منافع مردم، قرار می گیرند. طالب ها و حزب اسلامی حکمتیار دست پخت و دستمایه امپریالیستها، کشور های منطقه و استخبارات شان بوده و می باشند و در بازیهای سیاسی برد و باخت منافع کشور های رقیب در منطقه بکار گرفته می شوند. اگر دلیلی برای انگیزه این کار را می خواهید بفهمید باید در قدم اول به وابستگی شان به قدرتهای منطقه و جهان توجه نمود.

از اینجاست که گفته می توانیم که صلح، امنیت و ثبات در گرو مذاکرات اشغالگران با نیرو های جنگی متذکره نمی تواند باشد. امریکا از یکطرف می خواهد وانمود کند که جنگ نمی تواند مسئله افغانستان را حل کند، ولی در عین حال ابتداء فرستادن ۱۷ هزار نیروی تازه نفس و متعاقب آن فرستادن ۱۵ هزار نفر دیگر را وعده نموده که این خود پیش از پیش بر مسئولیت نیرو های جنگی بر اشغالگران می افزاید و خود را در موقعیت ضعیف احساس مینماید. بطور خلاص گفته میتوانیم که طالبها و حزب اسلامی از طرف

پاکستان، عربستان سعودی و ایران در برابر فشار هائی که از طرف امریکا وارد میشود و کمک هائی که توسط امریکا به آنها داده می شود، به طرف میز مذاکره کشانده می شوند، ولی هر دو طرف تضمین صلح، امنیت، ثبات و ایجاد شرایطی که مردم افغانستان خود را آزاد و خوشبخت احساس کنند را کرده نمی توانند، زیرا اینکار را نه اشغالگران و نه نیرو های جنگی به مقتضای ماهیت ضد بشری و ضد انسانی که دارند، انجام داده می توانند.

س: قوای اشغالگر برهبری امریکای طی عملیات های جنگی چرا مردم بیگناه و غیر نظامی را در حالیکه به شدت در مقابل آن حساسیت نشان می دهند، بقتل می رسانند؟
ج: این بمبارد ها و قتل عام ها از ابتدای اشغال افغانستان ادامه دارد. محافل عروسی، سوگواری، گردهم آئی های عادی مردم خصوصاً در وقت تابستان و درهواي آزاد، بار ها به طور وحشتناک و فاجعه باری بمباران شده، تلاشی خانه ها، بی حرمتی به افراد خانواده ها و زندانی ساختن افراد بشمول زنان، کار همیشگی نیرو های اشغالگر است. برای این جنایات بهانه های گوناگون ارائه می گردد. مثلاً می گویند که برای ما راپور نادرست داده شده یا می گویند نیرو ها و افراد جنگی مردم عادی و خانه های شان را به حیث سپربکار می گیرند و بالاخره هر دو پا را در یک موزه کرده با بی حیائی تمام منکر می شوند که کشتار را براه نینداخته ایم و وقتی مردم عادی را گروه گروه، بقتل می رسانند میگویند طالب و قوای مخالف بودند و بعداً که رسوا و افشاء گردد که مردم عادی بودند، با ابراز تأسف و دادن دو هزار دالر برای هر کشته، بالای این جنایت ضد بشری و جنگی خاک می اندازند.

کرزی مزدور هم برای آرام کردن و فرو نشاندن شدت قهر و عصیان مردم در حالیکه هیچ صلاحیت و اختیار ندارد به طرف قوای نظامی دهن کجی نموده و می گوید که باید آنها عملیات نظامی خود را با نیرو های افغانی هماهنگ نمایند. که اینها همه گپ های بی ارزش و مفت است و بادار هیچ وقت به آن ارزش نمی دهد با آنکه آنها بار ها به این خواست مردم و کرزی سر شورداده اند ولی در عمل به این کار تن نمی دهند. دلیلش خیلی ساده است. یک ضرب المثل است که می گوید: «به مرگ بگیر که به تب راضی شود». اشغالگران مردم افغانستان را به گروگان گرفته اند و میخواهند زرادخانهء مدرن و قوای نظامی بیش از ۶۰ هزار نفرهء خود را که به زودی آن را به ۹۰ هزار نفر می

رسانند در افغانستان بطور دائم ماندگار سازند و از مردم افغانستان می خواهند که اگر دست به مقاومت و مبارزه بزنند سرنوشت تان بدتر از این می شود و باید موجودیت ما را که تب دائمی است بپذیرید. باید پذیرفته شود که قوای مهاجم کشتار مردم بیگناه را به اساس انتقام گیری، انجام می دهند.

س: مضحکهء انتخابات برای ریاست جمهوری به کدام طرف روان است؟

ج: هر مرتبه ای که انتخابات براه انداخته شد، صد ها میلیون دالر را خرج و مصرف کرده اند. این دفعه برای انتخابات ریاست جمهوری و شورا های ولایات مبلغ ۲۱۵ میلیون دالر مصرف را بکار دارند. کشوری که تحت اشغال است و یک دولت مزدور و بی اختیار در آن حکومت به نام دارد و امر و نهی را امریکا جاری می سازد، انتخابات یک عملیهء نمایشی و اضافی است و امکان ندارد کسی انتخاب شود که خواست و ارادهء امریکا در آن دخیل نباشد. دموکراسی برای دولت و طبقات ستمگر و جنایتکاران طرفدار اشغال آنقدر وسعت یافته که بد نام ترین جنایت کاران و قاتلین مردم هم موقع یافته که خود را به حیث نامزد، معرفی نمایند. این انتخابات باز هم بیشتر ماهیت ضد مردمی و ضد بشری دولت و حامیان امپریالیست اشغالگر برهبری امریکا را به نمایش میگذارد. جنایتکاران خلقی، پرچمی و جهادی به عوض به محاکمه کشیده شدن، به حمایت اشغالگران وارد رقابت های انتخاباتی می شوند و با اطمینان خاطر و آسودگی در کابل بسر می برند. اینست نمونهء دموکراسی امریکائی و جریان انتخابات زیر چتر حمایت اشغالگران. این انتخابات که از اساس و ریشه با خواسته ها و منافع مردم همخوانی ندارد و برای مردم زحمتکش که قربانی جفا و وحشت جنایتکاران در سه دههء اخیر اند، ذرهء ارزش ندارد و برای شان بیگانه است.

مردم افغانستان وقتی از انتخابات آزاد و دموکراسی واقعی بهره خواهند برد و مستفید خواهند شد که عوض رفتن به پای صندوق های رأی، به مقاومت و مبارزه بر ضد اشغالگران و دولت مزدور دست بزنند و فضای مناسب انتخاب نمودن بدون موجودیت اشغالگران را فراهم نمایند و دولت و رئیس جمهور خود را به اساس تمثیل اراده و خواست خود برگزینند.

س: درین اواخر زلمی خلیل زاد سابق سفیر امریکا در ملل متحد، به افغانستان سفر نموده و به گفته ی خودش که افغانستان در مرحلهء حساسی قرار دارد و

باید برای آوردن صلح و آبادانی کشور با کشور های مختلف دید و بازدید صورت گیرد و متعاقباً در دویب بتاریخ ۲۴-۲۵ مارچ کنفرانسی را زیر عنوان «تضمین مؤققت» دایر نمود، چه گفته می توانید؟

ج: کنفرانسی که به ریاست شخصی مثل خلیل زاد، که از چهرهء او جنایت می بارد و یکی از پالیسی سازان دوران ریاست جمهوری بوش و یکی از طراحان حمله بالای عراق و افغانستان است، دایر گردد، ماهیت و محتوی آن هر چه بوده می تواند به غیر از صلح و آبادانی افغانستان.

درین کنفرانس که قابل سؤال است که چرا در دویب دایر گردیده و نه در کابل، به شمول وزیر خارجه سینتا، جلالی و اشرف غنی احمدزی و آقای بیات، اشخاص و افراد دیگر وابسته به خط اشغال و اسارت افغانستان نیز، شرکت کرده بودند که همان موضوعات همیشگی مثل صلح، ترقی، مبارزه با مواد مخدر، اعمار و آبادانی افغانستان را، تکرار نمودند. ممکنست کنفرانس شان در بارهء کاندید شدن شخص خلیل زاد و یا افراد سر سپرده تر به امریکا مثل جلالی یا اشرف غنی احمدزی بوده باشد، ولی به نظر امریکا ممکن است غیر از کرزی کاندیدی دیگری را وارد میدان نکرده و به این قناعت ورزد که کرزی این شخص آزموده و امتحان داده را، باز هم رئیس جمهور سازد.

س: بتاریخ ۲۱ مارچ در هالند کنفرانس بین المللی برای افغانستان، روی دست است. این کنفرانس روی چه موضوعاتی بحث خواهد کرد و چه دست آوردی خواهد داشت؟

ج: این کنفرانس باز هم روی باصطلاح استراتیژی جدید که بر مبنای طرح این استراتیژی، سهم کشور های ذیدخل در افغانستان سراز نو تعیین می شود و هم کشور های همسایه و منطقه خصوصاً ایران را میخواهند تطمیع، راضی و خوش سازند و در ضمن میکوشند تا برای بدست آوردن ضمانت های از جمهوری اسلامی ایران در قسمت همکاری برای ثبات در افغانستان، مؤفق شوند. هر چند که ایران برای اشغال افغانستان و سرکوب مردم آن از روز اول کمک های دلشاد کننده به امریکا نموده و در جنایات و کشتار امریکا در افغانستان، شریک جرم قافله می باشد. باز هم امر ونهی دولت جدید اوپاما در کنفرانس هالند، چربش خواهد داشت و سایر کشور ها را راضی خواهد کرد تا سهم بیشتری در ادای جنایت به خلق و کشور افغانستان را بعهده بگیرند و نیروی نظامی بیشتر را وعده دهند تا بتوانند

به عملیات جنگی پردامنه در افغانستان و پاکستان پرداخته و جنگ را شدت بخشند. این همه قرار ومدارها زیر نام صلح برای افغانستان انجام می پذیرد و کوشش می کنند برای اغفال ذهنیت عامه در جهان و سطح اروپا به جلب کمک های اقتصادی بیشتر، توجه کنند.

تا حدی که فهمیده شد، استراتژی امریکا در افغانستان تغییری نکرده و همان پیمان امضاء شده بین کرسی مزدور و مقامات امریکائی که در اوائل اشغال افغانستان زیر عنوان «پیمان استراتژیک» که برای ۵۰ - ۶۰ سال قابل اعتبار است و از نظر مردم افغانستان پوشیده نگهداشته شده و حتی پارلمان افغانستان که معاش خور و دست نشانده امپریالیست ها می باشد، از محتویات آن بی خبر است. نیرو های اشغالگر تاکتیکی خود را هر روز، عوض میکنند و می خواهند تلفات خود را به حداقل برسانند و افغانها را بیشتر از پیش، بسوی جنگ بکشاند و موازی با آن به فرستادن بیشتر قوای نظامی، تکیه کنند.

انتخابات ریاست جمهوری و شورا های ولایتی هم یک بازی فرمایشی و فریبنده است که ماهیت آن شناخته شده است و دست اندازی امریکا را در بازی ها بیشتر با آمدن خلیل زاد این مهره کثیف اشغالگران، می توان اندازه کرد.

بمبارانها و قتل عام مردم بشدت ادامه دارد و مذاکره با طالبان و آوردن صلح و ثبات یک مانور سیاسی است که امکان دارد چند بعد داشته باشد. لیکن جهت عمده همانا تکیه بر تشدید جنگ، حضور بیشتر قوای اشغالگر، وسعت جنگ بطرف پاکستان و تهدید و زیر نظر داشتن ایران که این همه در خدمت استراتژی امریکا در افغانستان دور می زند تا بتوانند پلانهای امتداد پایب لین ها را عملی سازند.

س: از خلال صحبت های شما اینطور برداشت می شود که انتخابات، مذاکرات برای صلح و آرامش و پیشبرد جنگ، این همه سر رشته داران خود را دارند، یعنی اشغالگران برهبری امریکا اند که در افغانستان و منطقه نه برای صلح و آرامش آمده اند، نه برای دموکراسی و خوشبختی مردم رسالتی دارند. در یک کلام از جبهه ضد مردم می آیند و با نیروهایی داخل مذاکره و معامله می شوند که با آنها وجوه مشترک دارند و منافع ملی مردم افغانستان را با این حرکات، فعالیت ها و نمایشات سیاسی، بازی می گیرند و مردم را فریب می دهند. سؤال مهم و اساسی ای

که مطرح می شود اینست که مردم زحمتکش افغانستان چه باید بکنند و در شرایط موجود چه رسالت دارند؟

ج: باید به جواب تبصره و سئوالی که نموده اید اضافه کنم که اکثریت مردم افغانستان از موجودیت قوای اشغالگر، رنج می برند. البته رنج و مصیبتی که متوجه مردم افغانستان می باشد بر همه بدرجه یکسان تحمیل نمی گردد.

اشغالگران برهبری امریکا در اوائل آوردن صلح و ثبات، قطع خانه جنگی ها و ایجاد کار و رونق زندگی عادی، امیدواری هایی را به مردم داده و خوشبینی هایی را دامن زده بودند، لیکن اتحاد با نیرو های ستمگر و حمایت از آنها و ایجاد دولت به نفع شان و تحمیل فضای به شدت خفقان آور و سرکوب مردم خصوصاً در اطراف و مناطق دور از شهر ها و به درد مردم نرسیدن و بی توجهی بحال شان، امید های واهی را بی نتیجه ساخت. اکنون اکثریت مردم افغانستان از موجودیت قوای بیگانه ناراض اند و قشر معینی از تعلیم یافتگان و روشنفکران وابسته به امپریالیست ها و دولت مزدور که در سازمانها و احزاب جمع شده اند با تبلیغات گمراه کننده، توده وسیع مردم را بدام انداخته و ازین اوضاع به نفع خود استفاده میکنند و راضی وشادمان اند.

یک پوتانسیل خیلی قوی مخالفت برضد اشغالگران در بین اکثریت اهالی جامعه، در جوش و غلیبان است. نبود یا کمبود عنصر آگاه کار مبارزه و مقاومت آگاهانه مردم را بی نتیجه می گذارد. بار ها و هر روزه مردم در مقابل بمبارانهای وحشیانه و قتل عام های قوای اشغالگر، دست به اعتراض می زنند ولی شعارهایی را که میدهند پاسخگوی خواست واقعی توده های معترض نیست و در آخر هر مظاهره و اعتراض، والی یا اولسوالی منطقه به طرفداری مردم ظاهر می شود و از راه التماس، عجز و زاری و دادن وعده های سرخرمن آنها را به سکوت وا می دارد و فردا باز هم قتل عام ها تکرار گردیده و ادامه مییابد.

نیرو های سیاسی آگاه، انقلابی و مترقی

وظیفه دارند که در پیشاپیش این حرکت ها قرار گیرند، در سازماندهی و آوردن شعار های مطابق اوضاع روز بکوشند و بیشتر به روشنگری بپردازند و آگاهی سیاسی را به مردم انتقال دهند، یعنی با انتقال یک سیاست انقلابی که کار آمد باشد مردم را از بیراهه برحذر دارند تا بیشتر بالای اشغالگران، متحدان شان و دولت مزدور، اعتماد نکنند. اگر این نارضایتی ها، اعتراضات و حرکات که دامنه آن روز بروز بیشتر و وسیعتر میگردد در یک مجرای انقلابی که ماهیت آن آشتی ناپذیری با اشغالگران و دولت مزدور را افاده می کند، سیر نماید زمینه ساز و پیام آور ایجاد یک جبهه مبارزاتی وسیع و آغازگر یک حرکت مسلحانه توده ای که این مجرا ها همه با هم و در یک مسیر سالم، بحرکت افتد، خواهد گردید.

جنگ انقلابی، جنگ خلق با برنامه است که در کنار جنگ برای سازندگی هم کار صورت می گیرد هسته قدرت سیاسی مردم را ایجاد و در ساحات اقتصادی، اجتماعی و تولیدی برنامه هائی را پیاده می کند که منافع مردم را در نظر گرفته و توده های وسیع خلق از آن بهره مند می شوند. این جنگ با جنگ ارتجاعی بی هدف و بی برنامه سران احزاب اسلامی و طالبان، از زمین تا آسمان متفاوت است چه آنها همسو وهمجهت با خواست امپریالیست ها وطبقات ستمگر، به جنگ می پردازند، از نیروی مردم زحمتکش برای این جنگ مایه گذاشته و خیانت به آرمان و خواسته های توده های محروم و ستمکش پیشه شان بوده و است.

از همین بابت است که سران احزاب اسلامی از برکت نیروی توده های زحمتکش، به قدرت رسیدند و دولتهای ضد مردمی را برای آسایش و رفاه خود بوجود آوردند. این وضعیت باید تغییر یابد و رهبر و همه کاره این مقاومت و جنگ باید حزبی باشد که تئوری انقلابی آنرا رهبری نماید. این کاری است دشوار ولی ممکن و یگانه راه و چاره ای که می توان بر اشغالگران فایق و کامیاب شد و مردم صاحب اقتدار و صاحب کشور خود شوند، همین است. ☸

وبسایت " جنبش انقلابی جوانان افغانستان " در انترنت :

www.afghanistanrymo.org

وبسایت " سازمان زنان هشت مارس (ایرانی - افغانستانی) " :

www.8mars.com

گزارش از سمینار و تظاهرات کارزار زنان...

ایده های رهائی بخش ضد رژیم می شان را تبارز داده و پایه های نو بنیاد جمهوری اسلامی را به لرزه در آوردند و به رژیم منحط و زن ستیز جمهوری اسلامی ثابت ساختند که دشمن واقعی آن اند و تا نابودی کامل این رژیم با قامتی استوار و عزمی پولادین در برابر آن، ایستادگی خواهند کرد.

رژیم زن ستیز جمهوری اسلامی که دشمن واقعی اش را شناخته بود از همان روز تظاهرات اقدام به زندانی نمودن، لت و کوب و شکنجه های شدید، تجاوز جنسی و کشتار بی رحمانه زنان نمود به این امید که بتواند ایده های ستم ستیزی و آزادی خواهی را در زنان که نیمی از نفوس جامعه را تشکیل می دهند، سرکوب و خفه نماید و قانون مرد سالاری را بر آن ها حاکم سازد و با کشتار دستجمعی ده ها هزار نفر از زنان و مردان مبارز و انقلابی در زندانهای سراسر کشور در سال ۶۷، خواست تا بر افکار آزادی خواهی و رهائی بخش خلق ایران، نقطهء پایان بگذارد.

این نظام منحط و قرون وسطائی در جریان سی سال گذشته هر قدر بر شدت سرکوب و کشتار وحشیانهء خلق ایران افزود، مقاومت و مبارزهء زنان و مردان اقشار مختلف تحت ستم ایران شدت و حدت بیشتر یافت. ترس از سرنوینی و نابودی، آخوند های جنایت پیشه را بر آن داشت تا در قبل از سی امین سالروز انقلاب بهمن، گور دستجمعی انقلابیون در خاوران تهران را ویران سازد.

اگر در انقلاب ۵۷ نیروی انقلابی پیشاهنگ با خط انقلابی درست در کشور وجود می داشت و یا قبل از ریشه گرفتن رژیم آخوندی، شکل می گرفت به یقین در کوتاه مدت نظام منحط و قرون و ستائی جمهوری اسلامی ایران بدست توانای زنان پیشرو و انقلابی، طبقهء کارگر و زحمتکشان ایران، سقوط نموده و رژیم منحط جمهوری اسلامی به زبالهء دان تاریخ سپرده می شد. تحقیر و شکنجه و زنده بگور نمودن های بیرحمانهء رژیم سفاک اسلامی طی سی سال نتوانست مقاومت زنان سلحشور ایران را درهم شکند و آنها را، ستم پذیر سازد و آرمانهای پلیدش تحقق یابد.

امروز در کنار مبارزات زحمتکشان اعم از کارگران، اهل کسبه، دانشجویان و جوانان، جنبش زنان اوج واعتلای نوینی را بر ضد

جمهوری اسلامی، کسب نموده و در جهت بر اندازی رژیم و امپریالیست ها سرگرم مبارزه اند و تا بدست آوردن پیروزی بر ضد این نظام فاسد و وابسته به امپریالیزم جهانی، آرام نمی گیرند.

سمینار و تظاهرات کارزار زنان:

بتاریخ ۶ و ۷ مارچ امسال کارزار زنان بر ضد کلیه قوانین نابرابر و مجازات های اسلامی در سی امین سالگرد تولد جنبش نوین زنان تحت عنوان "افق رهائی زنان" در شهر استهکلم سویدن، بر گزار گردید.

سخنرانی آذر درخشان یکتن از فعالین کارزار زنان و از مستولین "سازمان زنان هشت مارس (ایرانی - افغانستان)" تحت عنوان "۸ مارس ۱۳۵۸ تولد جنبش نوین زنان، ۵ روز تظاهرات ۵ برگ زرین جنبش نوین زنان" اولین بخش این برنامه را تشکیل داد.

این سخنران به تظاهرات پر شکوه زنان ایران در سال ۵۸ پرداخت و آنرا چنین تشریح نمود: "صف تظاهرات از همه اقشار زنان از جمله پرستار، معلم، دانشجو، حتی دانش آموزان دبستان، و کلا که حکم عزل خود را از وکالت دریافت کرده بودند، کارمندان و حتی زنان با حجابی که نمی خواستند دخترانشان اسیر حجاب اجباری شوند، تشکیل داده بود". و شعار های با شکوه زنان در آن روز که "رهایی زنان نه غربی است نه شرقی، جهانی است"، و این شعار "لحظه به لحظه گفتم، زیر شکنجه گفتم، یا مرگ یا آزادی" که با فریاد های آتشین بیان می شد نشان دهندهء جرئت و شهامت بی نظیر، زنان تحت نظام سرکوب گر جمهوری اسلامی، بود.

این واقعیتی مسلم است و در عمل ثابت شده که بدون رهائی زنان سراسر جهان رهائی و آزادی معنی و مفهومی ندارد. و بدون مقاومت و مبارزات سرتاسری و همه جانبه، زنان در بر اندازی نظامهای مردسالار، آزادی زنان تضمین شده نمی تواند.

دومین سخنران فراصت صالحی بود که تاریخچهء مبارزات زنان را از دورهء مشروطه تا به امروز به بررسی گرفت.

سخنران بعدی ثریا امیری یکی از فعالین دستهء هشت مارچ زنان افغانستان بود که به علت مشکل ویزا نتوانسته بود درین سمینار حاضر شود، ولی سخنرانی اش توسط طاهره

میلانی از فعالین افغانستانی "سازمان زنان هشت مارس (ایرانی - افغانستانی)" بخوانش گرفته شد. عنوان این سخنرانی "جنبش زنان در افغانستان و آینده آن" بود که در آن تاریخچهء رشد و تکامل جنبش زنان از زمان سلطنت امان الله خان تا به امروز بطور مختصر چنین، بررسی شد: "جنبش زنان در افغانستان به مفهوم نسبتاً وسیع آن در واقع در دورهء دموکراسی کذایی ظاهر شاهی (۱۳۴۲ - ۱۳۵۲) زمینه تبارز پیدا نمود... کودتای هفت ثور ۱۳۵۸ و به دنبال آن تجاوز قوای صد و پنجاه هزار نفری سوسیال امپریالیستی شوروی بر افغانستان و اشغال این کشور، سراسر جامعه را به شدت تکان داد و همه اقشار و طبقات جامعه و همه زنان و مردان را به درون تلاطمات سیاسی و جنگ کشاند. از یکجانب رژیم دست نشانده سوسیال امپریالیست ها، "سازمان دموکراتیک زنان" وابسته به حزب مزدور حاکم را، به ویژه در شهر های تحت حاکمیت اشغالگران و رژیم، وسعت بخشید، فرمانی در مورد لغو ازدواج های اجباری، "شیر بها" و طویانه و حق ازدواج آزادانه زنان و دختران (فرمان نمبر هفت) صادر کرد، زنان را در بعضی موقعیت های دولتی بالا کشید و تا حدی در امور مربوط به اردو و پولیس دولتی دخیل ساخت و مکاتب دخترانه را توسعه داد. اما از جانب دیگر در مقاومت سرتاسری ایکه علیه اشغالگران سوسیال امپریالیست و رژیم دست نشانده شان در سراسر روستا های کشور و همچنان در شهر ها بپا خاست، زنان و دختران خواسته یا ناخواسته وسیعاً شامل گردیدند.

فرمان نمبر هفت رژیم در سطح وسیعی نتیجه معکوس بیار آورد. ازدواج های اجباری در خفا گسترش یافت و مقدار "شیر بها" مخفیانه بیشتر گردید. زور گویی های بروکراتیک بخاطر اجرای اجباری این فرمان، خود زمینه ساز تصاحب "مجان" دختران جوان توسط لومپن های وابسته به رژیم گردید. بد تر از همه، باند های ملیشه وابسته به رژیم، در مناطق جنوب، غرب و شمال کشور، دست باز یافتند که زنان و دختران جوان و زیبا را هر زمانی که بخواهند و برای هر مدتی که بخواهند، تصاحب نمایند. وقتی این دست درازی ها وسعت یافت، زنان و دختران جوان وسیعاً به برقع پوشی روی

آوردند تا از چشمان حریص ملیشه های دد منش مصئون بمانند.

فرمان نمبر هفت رژیم، مهریه را از بین نبرد، بلکه مقدار آن را به سیصد افغانی پائین آورد. بنابراین اصل بینش مهریه گیری و مهریه دهی پا برجا باقی ماند و صرفا مقدار آن ناچیز تعیین گردید، یعنی معامله خرید و فروش به حال خود باقی ماند ولی قیمت به شدت تنزل داده شد. این وضعیت یک شوخی لومپنانه به وجود آورد. لومپن های مزاحم به دختران و زنان جوان، سیصد افغانی را نشان می دادند تا گویا قیمت شان را به آنها حالی کرده باشند. "و بر جنایاتی که به مسکوت ماندن مبارزات زنان در دوره حاکمیت حزب خلق و احزاب و سازمانهای اسلامی چه در دوره "جهاد" و یا در دوره دولت اسلامی، انجامید، اشاره و در زمینه توضیح داده شد.

در بخش دیگری، دوره امارت طالبان اینگونه به تصویر کشیده شد: "امارت اسلامی طالبان تقریبا تمامی مکاتب دخترانه را بست، دختران را از دانشگاه ها اخراج کرد، تمامی زنان شهری را مکلف به برقع پوشی نمود، کار بیرون از خانه زنان شهری را کاملا از میان برد، مسافرت زنان بدون سر پرست مرد را ممنوع قرار داد و حتی بازار و حمام زنانه را به روی زنان بست. دسته های باند بد نام "امر به معروف و نهی از منکر" طالبان در کوچه ها و جاده های شهر های مختلف کشور، شلاق بدست، زنان و دخترانی را که حجاب شان مطابق به میل آنها نمی بود، در ملاء عام شلاق می زدند و تحقیر و توهین می کردند. در همین دوره چند تظاهرات اعتراضی زنان توسط طالبان مسلح به خاک و خون کشیده شد و تعدادی از زنان معترض به زندان افتادند. "، "یکی از بهانه های فریبکارانه امپریالیست های امریکایی و انگلیسی برای تجاوز به افغانستان و اشغال این کشور، از بین بردن شوونیزم غلیظ مرد سالارانه امارت اسلامی طالبان و تامین حقوق زنان بود... اشغالگران و رژیم دست نشانده ادعا دارند که زمینه های وسیعی برای اشتغال زنان در بیرون از خانه به وجود آورده اند. این ادعا از چند جهت فریبکارانه و دروغین است. اولاً از اینجهت که در سطح کل جامعه زمینه اشتغال گسترش نیافته و روز بروز بر میزان بیکاری افزایش به عمل می آید. ثانیاً از اینجهت که زنان و دختران شاغل در بیرون از خانه صرفا یک اقلیت کوچک چند فیصده وابسته به اشغالگران و رژیم دست نشانده را شامل میگردد. ثالثاً از

اینجهت که با نابودی وسیع صنایع دستی و تولیدات غذایی خانگی، توده های وسیع زنان روستایی به شدت به سرانسیب فقر و بیچارگی افتاده اند. به این ترتیب سیر رو به رشد بیکاری و عدم اشتغال، کل جامعه، منجمله زنان، را تهدید می نماید و اشتغال زنان توسط اشغالگران و رژیم پوشالی افسانه فریبکارانه ای بیش نیست.

دهشت افگنیها، خانه تلاشی ها و بمباران های کور نیروهای اشغالگر امپریالیست، معمولاً از میان زنان و اطفال قربانی میگیرند. منسوبین این نیروها، اعم از افسر و عسکر، متجاوزین بالقوه و بالفعلی هستند که نه تنها زنان و دختران مناطق جنگی، بلکه پسران و مردان این مناطق، و همچنان زندانیان، را نیز پیوسته مورد تهدید جنسی قرار میدهند.

پناهگاه های مربوط به وزارت امور زنان رژیم که تقریبا در تمامی ولایات کشور به وجود آمده اند، برای زنان گرفتار مصائب، نه مکان های مصئون و امن، بلکه مکان های استفاده جویانه جنسی مقامات رژیم از آنها هستند. زن و دختری که یکبار به این "پناهگاه" ها وارد گردد، برادی اش کامل و آینده اش کاملا تیره و تار می گردد.

و در خاتمه وظایف مبارزاتی جنبش زنان در افغانستان اینگونه تشریح گردید: "۱- اولین وظیفه و وظیفه عمده جنبش زنان در افغانستان، مبارزه علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده و بصورت مشخص مبارزه علیه برنامه های اغواگرانه آنها در مورد زنان است. جنبش زنان یک جنبش مبارزاتی حق طلبانه و عادلانه ضد شوونیزمی و ضد ستم است و نباید اجازه داد به مثابه گروگانی توسط اشغالگران و خائنین ملی مورد سوء استفاده قرار بگیرد.

۲- مبارزه علیه اشکال مختلف شوونیزم مرد سالار که تحت نام های مذهب، سنت، تقدس خانواده و غیره اعمال می گردد، به مثابه وظیفه خاص جنبش زنان.

۳- مبارزه برای گسترش جنبش سیاسی سکولار در جامعه مبتلا به بنیاد گرایی چند جانبه افغانستان، یکی از وظایف مهم مبارزاتی جنبش زنان را تشکیل می دهد. بنیاد گرایی، چه در چهره رژیم دست نشانده خود را نشان دهد، چه در چهره طالبان و نیروهای مشابه آن، برای جنبش زنان زهر مقاتل است و این جنبش هیچ چاره ای جز مبارزه جدی و پیگیر علیه آن ندارد.

۴- جنبش مبارزاتی زنان، چنانچه بخواهد دور نمای نابودی کامل ستم بر زنان و سرنگونی کامل شوونیزم مرد سالار را نصب

العین خود قرار دهد، باید به مثابه بخشی از مبارزه برای سرنگونی کامل نظام استثمارگرانه و ستمگرانه موجود و برقراری یک نظام عادلانه ایکه جهتگیری اش به سوی رفع هر گونه استثمار و ستم باشد، پیش برده شود. از اینجهت جنبش مبارزاتی زنان باید در پیوند فشرده و ارتباط متقابل تنگاتنگ با مبارزات طبقاتی زحمتکشان علیه استثمار طبقاتی و مبارزه علیه ستم ملی شوونیزمی قرار داشته باشد.

۵- تجارب بدست آمده در طول هشتاد سال اخیر در افغانستان نشان داده است که جنبش زنان تا زمانی که از بالا دامن زده شود و قشر کوچکی از زنان را در بر بگیرد، سود چندانی برای توده های زنان نخواهد داشت و وضعیت آنها را اساسا تغییر نخواهد داد.

از اینجهت کاملا لازم است که برای توده یی ساختن جنبش مبارزاتی زنان تلاش و کوشش مستمر و پیگیر به عمل آید. جنبش مبارزاتی زنان نباید صرفا یک جنبش مبارزاتی روشنفکرانه باقی بماند بلکه کاملا لازم است که به یک جنبش مبارزاتی توده یی، که خیل عظیم زنان زحمتکش را آگاهی دهد و آنان را بسیج و سازماندهی نماید، مبدل گردد.

۶- جنبش مبارزاتی زنان افغانستان باید در پیوند فشرده با جنبش های مبارزاتی زنان سایر کشور های جهان، بخصوص زنان کشور های منطقه، پیش برده شود. جنبش های مبارزاتی زنان در کشور های مختلف، بخصوص کشور های منطقه، باید متقابلا همدیگر را حمایت و تقویت نمایند. این حمایت و تقویت متقابل هم جنبش مبارزاتی زنان در داخل این کشور ها و هم حرکت های مبارزاتی خارج کشوری زنان این کشور ها را در بر بگیرد.

با توجه به تمامی وظایف مبارزاتی مطرح شده در فوق، روشن است که یکی از وظایف مهم جنبش انقلابی داخل افغانستان و همچنان دسته های انقلابی خارج کشوری، تقویت جنبش مبارزاتی زنان، به مثابه یک جنبش مستقل مبارزاتی است. اکیدا باید خاطر نشان سازیم که این جنبش مبارزاتی ولو اینکه نهایتا در تابعیت از وظیفه مبارزاتی عمده، یعنی مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران و خائنین ملی، پیش برده شود، اما در هر حال یکی از مبارزات مهم در سطح کل جامعه بوده و هرگز نباید به فراموشی سپرده شود و هرگز نباید به عنوان یک وظیفه مبارزاتی حاشیه یی در نظر گرفته شود.

جنبش مبارزاتی زنان افغانستان که از یک

جانب با فریبکاریها و توطئه های اشغالگران و دست نشاندهگان شان و از جانب دیگر با شوونیسم غلیظ طالبانی در مواجهه و رویا رویی قرار دارد، بطور ویژه ای نیازمند حمایت ها و همکاریهای گسترده جنبشهای مبارزاتی زنان کشور های مختلف جهان، به ویژه حمایتها و همکاری های جنبشهای مبارزاتی زنان کشور های منطقه، میباشد.

ما در اوضاع و شرایط سخت مبارزات خود را در داخل افغانستان و همچنان در مناطق ماوراء خط دیورند پیش می بریم. ما همچنان نیازمند آنیم که مبارزات سازمانیافته ای در محیط کشور های غربی داشته باشیم. آرزوی ما آن است که در پیش برد وظایف مبارزاتی مان، حمایت ها و همکاری های "کارزار زنان" را با خود داشته باشیم و متقابلاً بتوانیم حمایت و همکاری لازمه ای به این حرکت مبارزاتی زنان ارائه نماییم."

سومین سخنران گلاویز حسینی بود که موضوع بحث شان موقعیت و جایگاه زنان در احزاب سیاسی اختصاص یافته بود که در آن به نقش فعال زنان در قیام ۵۷ و جنبش مسلحانه خلق کرد پرداخت. و تأکید کرد که در درون سازمانهای سیاسی ایران، ستم بر زن وجود دارد و این ستم به اشکال مختلف تقویت می شود.

سخنران بعدی از مبارزات زنان پیشمرگ در کردستان یاد نموده بر حاکمیت مرد سالاری بر آن که منجر به عقیم ماندن جنبش زنان گردید، اشاره کرد.

در روز دوم سمینار نیز پنج تن از زنان مبارز سخنرانی نمودند که هر یک از آنها بر ابعاد مختلف جنبش زنان پرداخته و به مبارزات آتی زنان، تأکید کردند.

لیلا پرنیان یکی از مسئولین بر جسته کارزار زنان موضوع بحثش به "فرمیسم در جنبش زنان و دستاویز شدن آنان به فلسفه پوسیده و رسوای پراگماتیسم" بود که در آن مورد اینگونه به بحث پرداخت: "امروزه در جنبش زنان دو نگرش و دو متد و دو دورنما در مورد مسئله زنان و امر رهایی زنان در

عرصه و صحنه مبارزه موجود است. یکی گرایش فرمیستی است که میخواهد با اتکاء به بالا و حتی با تبدیل جنبش زنان به زائده جناحی از حکومت عملاً جنبش زنان را به معامله بگذارد، در حالیکه گرایش انقلابی و رادیکال جنبش زنان مبارزات خود را در جهت سرنوینی جمهوری اسلامی بعنوان عامل اصلی فرودستی زنان به پیش می برد. و اضافه کرد که: "فلسفه پراگماتیستی نه تنها در حفظ مناسبات موجود که ستم بر زن

را پیوسته تولید و باز تولید میکند، خدمت میکند، بلکه در حل مسئله زنان عاجز و ناتوان است و فراتر از آن نگرشی تبعیض گرانه را در مورد زنان تولید میکند... گرایش فرمیست جنبش زنان با علم کردن فلسفه پراگماتیستی می خواهد به اسارت و بردگی زنان ابدیت بخشد. در حالیکه فلسفه کمونیستی نه تنها خواهان رهایی واقعی و ریشه ای زنان است بلکه تنها فلسفه ای است که قادر است رسیدن به چنین رهایی ای را هدایت کند."

تظاهرات کار زار زنان:

در روز یکشنبه ۸ مارچ تظاهرات باشکوه کارزار زنان، بر پا گردید. درین تظاهرات حدود ۳۰۰ نفر از شهر ها و کشور های مختلف جهان، شرکت نموده بودند. در صاف اول راهپیمائی زنی نقاب دار وزن دیگری که برقع پوشیده بود، قرار داشتند. آنها با زنجیری که توسط آخوندی کشیده میشد بسته شده بودند و اینها مثل نظامهای جمهوری اسلامی افغانستان و ایران بودند، در ختم راهپیمائی این زنان زنجیر های اسارت شان را پاره نمودند که توسط راهپیمایان به گرمی استقبال گردید.

در طول راه پیمائی شعار های علیه جمهوری اسلامی ایران نیمه مستعمره و افغانستان مستعمره اشغالگران در رأس ایالات متحده امریکا و ستمگریهای اسرائیل نسبت به فلسطینیان در بند و کشتار وحشیانه امپریالیستها در عراق، افغانستان و اقصاء نقاط جهان از بلندگو خوانده و با فریاد های بلند و آتشین راهپیمایان مکرراً تکرار و تأکید می گردید.

پایان بخش تظاهرات محفل جشن و سروری بود که توسط هنرمندان انقلابی بر جسته بر پا گردیده و با خوشی و سرور حاضران همراه شد. ❀

بقیه از صفحه: ۱۲

گزارش مختصر از محفل یاد بود...

در آرزمان رژیم کودتا دیوانه وار هر جنبنده را که بوی ضدیت از آن بمشامش میرسید، زندانی نموده و به شکل فجیع نابود میکرد. جواسیس خاد رژیم سفاک رد پای رفیق کاپوینی را نیز پیدا نمودند و قبل از آنکه دست کثیف آنها به حفیظ برسد، رفیق کاپوینی مثل هزاران افغان دیگر از کشور خارج و روانه ماورای خط نام نهاد دیورند، شد و با عده از یاران سیاسی اش به فعالیت

ادامه داد.

در ادامه برنامه مطلبی توسط یکتن از اعضای جوان سازمان که به همین مناسبت نگاشته بود، قرائت گردید.

سپس پیام و مقاله ارسالی عضو و همکار قلمی سازمان ملی دموکراتیک آوارگان افغانی از غرب آلمان توسط یکی از اعضای سازمان، بخوانش گرفته شد.

درین مقاله از خاطرات ممتاز رفیق کاپوینی مبنی بر ارتباطات دوستانه، مهربانانه و صمیمانه او با افراد، گروه ها و سازمانهای ملی دموکرات یاد آوری گردید. نکته برجسته ای که درین نوشته گنجانده شده بود یاد آوری از عشق عمیق رفیق کاپوینی به اصولیت و نفرت وی از کبی و حمل ایده های خشک و بی محتوی و ضد انقلابی، بود که مورد توجه، شرکت کننده ها قرار گرفت.

گرچه مطالب دیگری هم بهمین مناسبت توسط اعضای سازمان تهیه گردیده بود؛ ولی نظر به ضیق وقت نتوانست پیشکش محفل گردد.

پایان بخش محفل ارائه آهنگها و سروده های جالب و جذاب توسط مبارزین زنده یاد آلمانی و ایتالوی بود که مورد توجه حضار، قرار گرفت.

محفل حوالی ساعت ۶ شام با صرف غذای که توسط دوستان افغانی بخصوص همشیره رفیق کاپوینی و دوستان آلمانی، تهیه شده بود، پایان رسید. ❀

بقیه از صفحه: ۲

درسی که از کودتا...

ضرورت دارد که باز هم باید این رهبری از مردم غریب یا کسانی که در فکر غریب ها باشند، تشکیل شده باشد.

در فکر غریب ها بودن، یعنی سیاست و هدف باید از علم رهایی زحمتکشان، مایه بگیرد. آنطوریکه می بینیم کشور ما اشغال است و قوای ۴۲ کشور برهبری امریکا برای برپادی مردم و خرابی وطن به جنگ آمده اند آنها جنگ خود را یکجا به وطن فروشان «خلق»، پرچم، طالب و احزاب اسلامی بر ضد مردم با بی رحمی به پیش می برند. مردم افغانستان با بره انداختن جنگ خلق میتوانند بر اشغالگران پیروز شوند و دولت خود را قائم سازند. راه دیگری وجود ندارد، این درسی است که باید آموخت و پیش از آنکه ناوقت شود، تدبیر کار را سنجید و پی چاره رفت.

مرده باد وطنفروشان خلق و پرچم!

مرگ بر اشغالگران برهبری امریکا!

گزارش از محفل نوروز

میهن

ندانم میهنم غمخانه کیست
بهر جا غرق خون در دانه کیست

گهی سوزند گهی غارت نمایند
نپرسند کین وطن کاشانه کیست

نمیرسد کسی از آه مظلوم
چنین بیرحم دل دیوانه کیست

بدر آویختن دست ها بریدن
به حکم قاضی فرزانه کیست

جنایت گر جهاد باشد به میهن
شرعیت بازی طفلانه کیست

چنین ویرانه ها در میهن ما
همه از غیرت مردانه کیست

چراغ بیوه زن گردیده خاموش
پی نور امید پروانه کیست

اگر از کشتن و غارت پیرسی
بتو گویند که این افسانه کیست

شدند گرتشکن ملا و طالب
بگویند میهنم، بتخانه کیست

اگر این سفلیگان مزدور کس نیست
به پای وطن زولانه کیست

پیرس از پاکئی* و ایران و از روس
که این دام بهر چه، این دانه کیست

"امانت" گر روی در شهر کابل
مپرس از کس که این ویرانه کیست

*پاکی = پاکستان

از نو پرداختن، از نو آفریدن و از نو شروع
کردن و هم پیام آور زدودن کینه ها و آرزو
نمودن شادکامی ها و خوشبختی ها برای
همگان می باشد .

متأسفانه کشتی پر بار تمدن آریایی ها
که در اوقیانوس امید ها در تلاطم بود و راه را
بسوی روشنائی ها و طراوت بهاران ، باز می
نمود و به دلدادگان وقت و زمانه ی نو، توشه
شادایی را حمل میکرد، مورد تهاجم دشمنان
مردم، قرار گرفت و نگذاشتند به سوی ساحل
نجات و خوشبختی، لنگر اندازد. چنانچه اگر
تهاجمات سه دهه اخیر را که مصائب ، درد و
آلام روز افزونرا بر مردم و کشور عزیز ما
تحمل کرده اند در نظر بگیریم می بینیم که
اهریمنان استعمار کهنه و نو با هجوم نظامی
و فرهنگ استعماری خویش جشن باستانی
نوروز را آماج آرمانهای شوم خویش قرار داده
باری آنرا بنام "روزدهقان" و "یا" روز
افغانستان " نامیدند و گاهی هم بنابر غیر
عربی و شرعی بودنش خواستند آنرا از
صحنه سنن پرافتخار ملی و تاریخی ما
بزدایند و به زنجیر اسارت فرهنگی خویش
بکشند. این یکی از ویژگی های استعمار و
متجاوزین در طول تاریخ میباشد که نه تنها
سرمایه ملی بلکه هویت و اعتبارات ملی و
فرهنگی کشور های در بند را کم رنگ و یا
نابود سازند.

به آرزوی اینکه مردم ما تحت یک
رهبری ملی و مترقی به پا خیزند و با آمدن
بهار نوید بخش که مژه رسان آزادی کشور
ما از سلطه امپریالیسم امریکا، همکابان و
سرسپردگان داخلی جنایتکارش باشد، روز
آزادی کشور شان را، جشن گیرند.
نوروز و سال نو تان شاد و خرم و هرروز
تانرا نوروز میخوایم .

سازمان ملی دموکراتیک آوارگان افغانی
(واحد مונشن)
۴ اپریل ۲۰۰۹

اینک اشعاری را که در جریان محفل
بخوانش گرفته شد، می آوریم :

"سازمان ملی دموکراتیک آوارگان افغانی"،
تهیه شده بود، توسط یک عضو سازمان،
خوانده شد که توجه و دلچسپی شرکت
کنندگان محفل را بخود معطوف داشت.

یکی از شرکت کنندگان محفل پیام
شخصی خویش را پیرامون تبریکی سال نو
که موضع قاطع ضد اشغال ناتو به رهبری
امپریالیسم امریکا و نوکران بومی به خصوص
روشنفکران آرایشگر این اشغال را داشت ،
قرائت نمود . که مورد توجه شرکت کنندگان
قرار گرفت.

همچنان پارچه شعری در مورد بهار، سروده
یک شاعره انقلابی کشور ما که از صفحه
بابا بیرون نویس شده بود توسط یک خانم
هوا دار سازمان دکلمه گردید که با کف
زدنهای حاضرین استقبال شد .

مهمانان این محفل به منظور سهم گرفتن
در مصارف این برنامه (شامل کرایه سالن ،
کرایه آلات موسیقی و.....) مبلغ ۲۹۵ یورو را
به صندوق اعانه واحد مونشن کمک نمودند
که نماینده مسئول سازمان ملی دموکراتیک
آوارگان ازین همکاری و کمک مالی شان ابراز
قدردانی و تشکر کرد.

پیام "سازمان..." بمناسبت سال نو

دوستان گرامی و مهمانان عزیز،
تشریف اوری شما را در محفل امشب به
مناسبت روز نوروز و سال نو که بر غنا
بخشیدن هویت ملی و فرهنگی قدامت
چندین هزار ساله نو روز صحه گذاشته اید ،
خیرومقدم میگوئیم .

نوروز که از سالهای بسیار بسیار دور از
همان دوره تمدن آریایی ها که میتوان آنرا
مادر تمدن جهان خواند، به مقدم بهار و آغاز
زندگی نو در طبیعت، همه ساله برگزار
میگردد .

مراسم مربوط به روز فرخنده نوروز آنچه
از نیاکان ما برجای مانده است از جمله آ ماده
کردن هفت سین یا هفت میوه و..... البته
ارتباط به باور قدسیت اسطوره ای و نجومی
عدد هفت دارد که حاوی پیام از نو دیدن ،
از نو چشیدن، از نو بخشیدن، از نو برخاستن

هر روز تان نوروز، نوروز و سال نو تان شاد و خرم

بقیه از صفحه: اول

بهار

افغانستان کشور جنازه ها و قبرستان اشغالگران

باز بردماغ خسته ام، بوی بهار میرسد
گلوشم زهر طرف، نغمه هزار میرسدز مردین صحن چمن، روئیده لاله در دامن
قامت سرور را مگر، جلوه ای یار میرسدگذرکن به بوستان، عشرت باغ و درخ مگر
نرگس و سوسن و ریحان، به مرغزار میرسدناله ای آشار شده، همراه بانوای فی
آب زلال ز چشمه سار، به جویبار میرسدشیم گل مست نمود، دل و دماغم ساقیا
دیدم تندیس نگار، چشمی خار میرسدغنچه بگلست در چمن، پروانه رقصان گرد آن
ز پور از بهر عمل، دیوانه وار میرسدانبوه وین بر درخت، رش زده جوانه ها
بر شاخ و برگ هر نهال، نقش و نگار میرسدتازه نادماغ خویش، باورش نسیم
عطر دل انگیز صحر، زهر کنار میرسدبروی سوی مرغزار، زارغ بر تلاش مبین
پایک ویل و داس به کشتزار میرسدمین درین غرخت سر، عشرت ندارم بیچگاه
قل و کشتار حلق ها، به گوشم بی شمار میرسد

< از رحیمه توخی >



داشته باشد و از کسانی که درین جنگ ها صدمه دیده اند به معذرت خواهی پرداخت. شیفر اضافه نمود که قوای ایساف برای انجام انتخابات در ماه اگست به چهار هزار سرباز تازه دم ضرورت دارد که به افغانستان فرستاده شوند. وی همچنان گفت که ما (قوای بیگانه یا اشغالگر - خیلواکی) حیثیت مهمان را داریم و صاحبان اصلی این خاک، خود افغانها هستند در حال حاضر ۵۰ هزار سرباز ۴۲ کشور اشغالگر زیر نام ایساف در افغانستان جمع شده اند. به اضافه ۲۴ هزار سرباز امریکائی، ۴ هزار سرباز برای انتخابات سال جاری به افغانستان فرستاده میشود و اوپاما در نظر دارد ۱۷ هزار نیروی تازه دم را تا تابستان امسال و پانزده هزار سرباز اضافی را متعاقب آن به افغانستان بفرستد. به این حساب تعداد لشکر جانی و آدمکش اشغالگر که خود را مهمان می نامد جمعاً به ۱۱۴ هزار نفر خواهد رسید. این نیروی نظامی در کشور ما هر روزه به قتل عام و کشتار مردم مشغول اند و با استعمال سلاحهای مدهش و کشنده، مصارف سوخت برای ماشین جنگی و کثیف ساختن محیط زیست ناشی از این بی غوری، تأثیرات عمیق و کشنده بر خاک، هوا و آبهای این سر زمین بر جای می گذارد که تا ده ها و صد ها سال آینده، انسان، حیوان و نبات این کشور، معیوب و علیل خواهد بود و این مهمانان ناخوانده چه تعداد از باشندگان را در گوشه و کنار کشور قتل عام و چپاول خواهند کرد. آیا مهمان در خانه میزبان باید چنین روشی داشته باشد؟ اول که صاحب این کشور، مردم این کشور می باشند و اکثریت بیش از ۹۵٪ مخالف آمدن و ماندن جنایتکاران متجاوز به خاک خود، هستند. تا حالا هیچ مرجع صاحب اختیار به نمایندگی از خواست و اراده مردم افغانستان در مورد دعوت این مهمانان ناخوانده، لب به سخن نگشوده. پارلمان یا مجلس نمایندگان هم که توسط امپریالیست ها بوجود آمده و با صرف میلیونها دالر سرپا نگهداشته میشود و معاش اعضای آن از کیسه امپریالیستها پرداخت میگردد، وظیفه دارد تا قوانین اسارت آور را مهر و تاپه کند و دروازه های کشور را بروی اشغالگران باز بگذارد که هر چه بیاوردند و هر چه غارت کنند و ببرند باز خواست گری در مقابل شان نباشد.

نفرت و بیزاری مردم افغانستان از اعمال و جنایات اشغالگران، حد و اندازه را نمی شناسد. شدت عملیات جنگی، بمبارانها و زندانی کردن مردم در گوشه و کنار کشور، زندگی را بر مردم خیلی سخت و تنگ کرده و آنها را به مقاومت میطلبد. افغانستان به کشور جنازه ها و ماتم زدگان مبدل شده و وقتی انسان بخواهد برای چند لحظه پیش تلویزیون بنشیند و یا اخبار رادیو را بشنود، در عوض خبرآبادانی، خوشی و سرحال بودن باشندگان این کشور که اینقدر امپریالیستها برای آن گلو پاره می کنند، خبر فقر، مصیبت، ماتم، گریه و اجساد قربانیان را می بیند و می شنود.

آقای شیفر سرمنشی ناتو و همکابان جنایتکار بین المللی افغانی اش باید بدانند که این کشور برآستی هم صاحبی دارد و افغانها صاحب واقعی آن میباشند. هر قدر اشغالگران بخواهند بر شدت اعمال جنایتکارانه خود بیافزایند و مردم زحمتکش ما را گروه گروه، به شهادت برسانند، با مقاومت و مبارزات بیشتر مردم مواجه خواهند شد و اشغالگران لحظه آرام نخواهند گرفت؛ زیرا این مردم مغرور و سربلند و آزاده شکست ناپذیر اند.

قوای استعماری بریتانیسه و متجاوزین سوسیال امپریالیست در این کشور بزانو در آمده وبا متقبل شدن تلفات بیشمار جانی و مالی، سرافکنده از افغانستان بیرون خزیدند. به یقین که افغانستان قبرستان متجاوزین و اشغالگران برهبری امریکا خواهد شد.

مردم ما عزم کرده و تعهد سپرده اند که درین آزمونگاه، سلسله حماسه ها را زنده نگهدارند و متجاوزین جنایتکار را که عبرت آموز نیستند و تاریخ و قهرمانی های مردمان ما را به سخریه می گیرند، اینبار در آتش جنگ خلق به جزای اعمال شان که مهمان ناخوانده می باشند، قدر کشور و احترام مردم ما رابه جا نمی آورند و پایبند فرهنگ کثیف امپریالیستی هستند، برسانند.

سال و زمانه آینده باز هم ثابت خواهد ساخت که افغانستان، قبرستان اشغالگران است. ☸

د افغانانو تلل اروپا ته...

دا ځوان نسل چه کله د پيرو پيسو په مصرفولو او د مشکلاتو د تيروولو وروسته اروپايي هيوادو ته ورسپړي په دې ځای کې هم د بيکاري او بي سرنوشتي په لرلو سره او تر ټولو بد تر د دوهم او دريم درجه انسان په سترگه ورته کتل کيږي او د دې ټولني د کلتور، ژبي او نورو ټولنيزو خصوصياتو سره د بيگانگي او نه پيژند په حالت کې تر فشار لاندې وي. زموږ هيله دا ده چه د يوې انقلابي او مترقي سياسي مشرتابه او رهبري لاندې خواري کښه او ټول محروم اولس د اشغالگرو او نوکر فاسد دولت په مقابله کې ودرپړي او خپل هيواد د خارجي تجاوزگرو او داخلي ظالمانو او جنایتکارانو د اسارت څخه وژغوري تر څو چه افغانستان د افغانانو لپاره سمسور، آباد او پر مخ تللی کور وي او هيڅوک و مهاجرت او د خارج د تک په فکر کې نه وي او خپل په وطن کې د امن، ډاډ او افتخار ژوند ولري

د دې مقدمې تر ليکلو وروسته د يوه ځوان افغان مهاجر د سفر بيان چه موږ ته ئي راليرلي دي او د ده د اول او فاميلي نوم په تغيير سره د خپلواکي د گرانو لوستونکو لپاره نشر وو.

په پاکستان کې مو د يوه قاچاقبر سره په اوه زره ډالره فيصله کړه چه د ايران د لاري مو اروپا ته رهنمائي کړي. اول ئي کوټي ته بوتلو او ډوډي ئي راکوله. د کوټي وروسته اوبه او ډوډي زموږ په غاړه وو. شپږ اوه ورځې لاره مو په پښو ووهله تر څو چه ايران ته ورسيدو. په ايران کې قاچاقبران په زوره په يوه موټر کې پنځوس نفره سره تخته کړو او د يو د بل د پاسه ئي په وهلو ځای پر ځای کړو او د ايران غربي طرف سلماس نومي ځای ته ورسولو او د هغه ځايه څخه پياده منزل پيل سو. لس ورځې په غرونو او ځنگلونو کې او سيدو او د ورځې ئي يوه ډوډي راکوله

تر څو چه د ترکيې د وان ښار ته ورسيدلو، موږ ديرش نفره وو د حيواناتو په غوجل کې ئي و اچولو، توره تياره وه لس دولس ورځې هلته وو. وروسته و استانبول ته حرکت وکړ ۳۰ نفره موږ و او ۷۰ نفره د نورو قاچاقبرانو وه. دا سل نفره ئي په يوه کانتينر کې و اچولو، او ۳۶ ساعته لاره وه، پيره گرمي وه او درې څلور نفره بي حاله سول تر څو چه استانبول ته ورسيدو او همدا سل نفره ئي په يوه زير زميني کې و اچولو. په دې ځای کې پيره بدبوئي وه او پنځلس ورځې هلته پاته سولو او وروسته مو د سمندر غاړې ته حرکت وکړ موږ ۳۰ نفره و د سمندر د غاړې سره ئي په يوه ځنگل کې پت کړو. قاچاقبر موږ ته کښتي آماده کوله او په لس نفره کښتي کې ئي ۳۰ نفره په زوره يو د بل پر سر ځای کړو لس تر پنځلسو ماشومان هم وه دوی ژړل او کښتي ته نه ختل، قاچاقبر هغوی بي هوشه کړل او کښتي ته ئي و اچول، کښتي وان نه و او زموږ يوه ملگري کښتي چلوله. په سمندر کې کښتي خرابه سوه خو په يوه طريقه سره يونان ته ورسيدو او شپه مو په غره کې تيره کړه. د ورځې پوليس راغلل کمپ ته ئي بوتلو، نور افغانان هم وه ۷۰ نفره ئي په يوه دهليز کې و اچولو، د ورځې يو وقت ډوډي راکوله، درې ورځې مو تيري کړي او د يوې مياښتي اقامت ئي راکړ او آتن ته راغلو، افغانانو مسافر خانو ته يووړو او ښه ډوډي ئي راکړه. او بيائي ۲۰۰ يورو راڅخه وغوښتل، مسافرو خپلو کورونو ته تلفن وکړ چه پيسې راوليږي، موږ د دې مسافر خانې سره درې ورځې گرو وو او بيا مو پيسې وړکړي او خوشي کړو. په يونان کې کار نه و، ما وغوښتل چه ايتاليا ته ځان ورسوم. زما پلار پيسې قرض کړي او ۲۰۰۰ يورو مي په بنسدر کې قاچاقبر ته ورکړل، په ځنگل کې مو خوب کولو ۷۰ - ۸۰ کسان وو. تر مال لاندې به

ئې په کانتينر کې ... نفر ځای په ځای کول په داسې حال کې چه ډرپور به په آگاه نه وو. زه ئي هم څو واره په کانتينر کې و اچولم او د يونان پوليس گير کړم او وئې وهلم. ۳۶ ساعته لاره تر ايتاليا پوري د کښتي لاره وه او زه ئي د يوه کانتينر په ټولکس کې و اچولم، ۳۶ ساعته نه ډوډي او نه اوبه وه او هوا هم بنده وه. وروسته ايتاليا ته ورسيدلم او ډير خوشحاله وم او ډير اميدونه مي درلودل. کله چه روم ته ورسيدم د افغانانو ځای ته ورغلم، چه ولي کتل افغانان په پارکونو کې پراته دي، اکثره ئي اعصاب د لاسه ورکړي وه، کمپ ته لاړم، شپږ مياشتي وروسته ئي درې کلنه اقامت راکړه، اوس هم په ايتاليا کې روند کوم، په پارکونو کې په زمي کې و ښه کيږو، نه کار شته او نه هم د کار اجازه لرو. سل تنه يو وخت ډوډي په کليسا کې خورو او د شپي په پارکونو کې ژوند کوو هغه کسان چه پيسې درلودل، لندن، ناروي او فنلاند ته ولاړل، موږ د ليونيانو په شان په سرکونو باندې ژوند کوو. زموږ بايد پوښته وسي، موږ هم انسانان او بشر يو، په وطن کې مو بچي پري ايښي دي، د شرم او مسئوليت احساس کو او تلفن کور ته نه سم کولي. اروپا چه ځان د بشر د حقونو، د پناهنده گانو د حقوقو طرفداره بولي او د پناهنده گانو بين المللي قوانينو د احترام ضمانت ئي امضاء کړي دي بايد د مهاجرو دغه خوار حالت ته توجه وکړي او دې انساني فاجعي ته خاتمه ورکړي. ما تر اوسه پوري ۱۲۰۰۰ ډالره مصرف سويدې. د خپلواکي د اخبار د چلونکو څخه هيله کوم چه زما دغه راپور خپور کړي او تر امکانه پوري زموږ د نجات دپاره آواز د مسئول کسانو غوږ ته ورسوي.

په احترام فيروري مياشت ۲۰۰۹ کال
عبدالله "غمخوار"

گزارش مختصر از محفل یاد بود رفیق کاویانی



۲۷ دسامبر ۲۰۰۸ مصادف به اولین سالروز خاموشی رفیق کاویانی بود. به مناسبت تجلیل از خاطرات و کارنامه های درخشان و بیاد ماندنی آن رفیق ارجمند بتاريخ ۲۴ جنوری محفلی توسط جمعی از دوستان و همزمانش در شهر مونشن آلمان، برگزار گردید.

درین محفل علاوه بر فامیل ها و نزدیکان، عده از دوستان و همزمان افغانستانی و آلمانی رفیق، اشتراک نموده بودند.

محفل حوالی ساعت دو بوقت محلی با سرود انترناسیونال، آغاز گردید و پیامها و مقالاتی چند توسط دوستان و همزمان رفیق کاویانی، بخوانش گرفته شد.

در ابتداء محفل پیام و مقاله که توسط یکی از دوستان و همزمان رفیق از کانادا ارسال شده بود، توسط یکی از همزمانش خوانده و بزبان آلمانی، ترجمه گردید. درین مقاله کارزار مبارزاتی رفیق کاویانی به تصویر کشیده شد و سیر مبارزاتی وی، مرور گردید که خلاصه آن چنین است: رفیق کاویانی در آوان جوانی به محیط ماحولش دقیق شده و متوجه تفاوت های زندگی در انسانها گردید و جذب جریان دموکراتیک نوین که در آنوقت با قامتی افراشته در مبارزه گرم و آتشین با ریزبویزم خروش چنی و ارتجاع حاکم قرار داشت، گردید.

بعد از کودتای ننگین ۷ ثور سوسیال امپریالیزم شوروی که حزب «خلق» را بقدرت رساند رفیق کاویانی مثل سایر افراد جنبش شکل مبارزه اش را تغییر داده و در سازمان ساوو بطور مخفی و زیر زمینی به فعالیت سیاسی اش، ادامه داد...

بقیه در صفحه: ۸

د افغانانو تلل اروپا ته د پاکستان نه

گرانو لوستونکی د یوه افغان مهاجر ددی لاندی سفر نامی د ویلو څخه په افغانستان کی په عمومی ډول سره د خلکو د ژوند په باره کی چه د راز راز مشکلاتو سره مخامخ دی اندازه لگولی سی. ځوانان، زاړه بنځی او نارینه هر څوک په خپل حالت کی د اشغالگرو په موجودیت کی در بی سرنوشته او نامعلوم آینده څخه په عذاب او د نه باور په حلقه کی راگیر دی او د یوه جنایت کاری ډلی د دولت تر حکم لاندی د هر ډول پیشرفت د مخ نیوی سره مخامخ دی. ځوان نسل تر نورو ډیر ددی شرایطو، قربانی دی زیات شمیر ئی چه کار نلری، د تحصیل زمینه ورته برابر نده او د ناامنی، جگری او اقتصادی فقر سره لاس گریوان دی او د اجتماعی فسادونو خصوصاً د مواد مخدر په استعمال او اخته کیدو سره تهدید دی او سمه لاره ځینی ورکه ده مجبوره کیږی چه د مرگ په قبلولو سره چه کیږی د غربی هیوادونو خواته تینته وکړی....

ص: ۱۱

گزارش

از محفل نوروز در شهر مونشن آلمان

بتاریخ چهارم اپریل ۲۰۰۹ مطابق ۱۵ حمل ۱۳۸۸ محفلی به مناسبت نوروز و آغاز سال نو با شرکت عده از افغان های مقیم مونشن توسط واحد مونشن "سازمان ملی دموکراتیک آورگان افغانی"، برگزار گردید که فامیل های اشتراک کننده با آوردن غذا و صرف آنچه مروج مردم ما در ایام نوروز و بهار میباشند، به شکوهمندی محفل افزودند.

محفل حوالی هفت شام توسط یکی از اعضای سازمان با معرفی برنامه های که شامل کنسرت، خواندن مقاله و اشعار بود، آغاز گردید.

در جریان برنامه یکی از اعضای جوان سازمان قطعه شعری را که از چکمه غربت مجموعه اشعار یک شاعر ملی و وطنپرست کشور ما انتخاب نموده بود، به خوانش گرفت که مورد استقبال گرم حاضرین محفل قرار گرفت.

سیس پیام تبریکی نوروز و سال نو که توسط واحد مونشن....

بقیه در صفحه: ۹

خوانندگان ارجمند:

نشریه "خپلواکی" را از سایت پیک ایران بخش "نشرات سازمانها"

www.peykeiran.com

وبلاک خپلواکی: www.akhpowlwaki.blogfa.com

بدست آورده، مطالعه و تکثیر نمائید.

ایمیل سازمان:

awaragan@yahoo.com

قیمت یک شماره بدون مصرف

پستی: یک یورو

مردم آزاده می افغانستان: با مقاومت ملی و مردمی خود متجاوزین اشغالگر را از کشور سرون اندازید!